

نقد و ارزیابی کتاب چگونگی رشد و فروپاشی اقتصاد، یک داستان اقتصادی

مجید جلیلی*

چکیده

همواره این سوال در اذهان عمومی وجود دارد که علل رشد و توسعه برخی کشورها چیست و چرا برخی از دیگر از جوامع در سیاست های توسعه ای خود ناکام می مانند؟ پاسخ به این سوال با توجه به پیچیدگی تشریح و تبیین ارتباط و برهم کنش متغیرهای اقتصادی و اجتماعی برای افراد عادی جامعه بسیار سخت است. کتاب «چگونگی رشد و فروپاشی اقتصاد، یک داستان اقتصادی» در تلاش است با بیانی ساده و ادبیاتی بدور از مفاهیم پیچیده اقتصادی، موضوعات و مفاهیم مرتبط با اقتصاد خرد و کلان را تشریح نماید و برای خواننده ریشه ها و علل موفقیت و شکست سیاست های اقتصادی را روشن سازد. نویسندگان کتاب مولفه های گوناگونی از علم اقتصاد نظیر مبانی رشد اقتصادی، موارد استفاده از سرمایه، ماهیت ویرانگر وام های مصرفی، علل تورم، اهمیت تجارت خارجی، پس انداز، ریسک و بسیاری از مهم ترین اصول علم اقتصاد را قصه وار تشریح می کنند و هرچند داستان کتاب ممکن است ساده و سطحی به نظر برسد ولی قادر است خواننده را به درکی عمیق از چگونگی رشد اقتصاد و دلایل فروپاشی آن برساند. در این مقاله ضمن ارزیابی ظاهری و محتوایی کتاب فوق، بینش و خط فکری نویسنده مبتنی بر جریان لیبرال در حوزه اقتصاد مورد بررسی و نقد نیز قرار می گیرد.

کلیدواژه‌ها: اقتصاد - توسعه - فروپاشی - لیبرالیسم - سوسیالیسم - داستان

۱. معرفی و توصیف اثر

- نام کتاب: «چگونگی رشد و فروپاشی اقتصاد، یک داستان اقتصادی» (*How an Economy Grows and Why It Crashes*)

- ناشر: نشر نی - چاپ هفتم ۱۳۹۸، تیراژ ۵۰۰ نسخه

- نویسندگان: پیتر شِف^۱ و اندرو شِف

- مترجم: دکتر حمید رضا ارباب (عضو هیئت عملی دانشکده اقتصاد دانشگاه علامه طباطبایی)

کتاب «چگونگی رشد و فروپاشی اقتصاد» با هدف توصیف مفاهیم نسبتاً پیچیده اقتصادی (نظیر رشد اقتصادی، کارکرد نظام پولی و ...) در سال ۲۰۱۰ (۱۳۸۹) به تحریر درآمده است. وجه تفاوت بارز کتاب مذکور با سایر کتاب های اقتصادی، استفاده نویسندگان از نوشتار داستانی طنز همراه با تصاویر کامیک است. همان گونه که از عنوان کتاب نیز می توان دریافت، هدف کتاب بررسی مسائل و مفاهیم مرتبط با اقتصاد خرد (در سطح افراد و خانوار) و کلان (در سطح جامعه و کشور) است. تفاوت بارز کتاب با سایر کتب اقتصادی، تلاش نویسندگان در بیان مفاهیم اقتصادی در قالبی ساده با بیان داستان گونه است، از این رو با توجه به آن که عموماً فهم و درک مفاهیم اقتصادی و روابط میان متغیرهای آن از پیچیدگی هایی برخوردار است، نویسندگان با درک این موضوع، بستری داستانی برای تشریح انواع مفاهیم مرتبط با علم اقتصاد ایجاد نموده اند.

کتاب حاضر در نخستین سال انتشار خود، جایزه **GetAbstract** را به خود اختصاص داده است.^۲ همچنین کتاب مذکور همان گونه که در مقدمه آن نیز اشاره شده است، با الهام و بر مبنای کتاب «**How an Economy Grows and Why it Doesn't**» از اروین شف نگارش شده است.

^۱ پیتر دیوید شف (متولد ۱۹۶۳) یک لیبرالیست آمریکایی، کارگزار سهام، مفسر مالی و شخصیتی رسانه ای است. یکبار دلائل شهرت وی، پیشبینی بحران مالی سالهای ۲۰۰۸ و ۲۰۰۹ امریکابوده است. وی در مصاحبه های خود در سالهای ۲۰۰۵ و ۲۰۰۶ به زمینه ها و عواملی که میتواند به بحران اقتصادی در امریکامنجر شود اشاره کرده بود. ^۲ این جایزه هر سال به کتاب های حوزه کسب و کار با تاثیر موثر جهانی اعطا می شود.

نویسندگان مولفه های گوناگونی از علم اقتصاد نظیر مبانی رشد اقتصادی، موارد استفاده از سرمایه، ماهیت ویرانگر وام های مصرفی، علل تورم، اهمیت تجارت خارجی، پس انداز، ریسک و بسیاری از مهم ترین اصول علم اقتصاد را شرح می دهند. داستان کتاب ممکن است ساده و سطحی به نظر برسد ولی قادر است خواننده را به درکی عمیق از چگونگی رشد اقتصاد و دلایل فروپاشی آن برساند.

در همین راستا مترجم کتاب در ابتدای مقدمه خود بیان می کند که:

«گاهی استفاده از یک ضرب المثل، یک اصطلاح رایج و یک جمله قصار می تواند بهتر از هر استدلال و شرح و بیان طولانی، گویا و قانع کننده باشد. نویسندگان کتاب نیز در قالب یک داستان طنز اقتصادی چگونگی رشد و فروپاشی اقتصاد، رونق و رکود، بحران اقتصادی و فرآیند تحول از یک جامعه ابتدایی به یک جامعه پیشرفته را شرح می دهند.»

رتبه کتاب در گودریدز (شبکه اجتماعی کتاب) ۴.۱۵ از ۵ است که نشان دهنده جایگاه مناسب کتاب است. هر فصل کتاب از سه بخش اصلی تشکیل شده است. بخش نخست شامل داستانی طنز گونه میان سه شخصیت خیالی در جزیره ای به نام اوسونیا (Usonia) است (که البته با پیشرفت کتاب، به شخصیت ها نیز افزوده می شود). موضوعات اقتصادی در قالب دیالوگ ها و گفتگوهای میان شخصیت ها تشریح شده و ابعاد و زوایای آن مورد کنکاش قرار می گیرد. بخش دوم هر فصل شامل کادریایی به نام «بررسی واقعیت» است که در آن ها نظریه های اقتصادی مرتبط با هر فصل ارائه می گردد. در نهایت بخش سوم هر فصل شامل «خلاصه و نتیجه گیری» است که در آن نویسنده، نتیجه هر فصل و هدف داستان تشریح شده در ابتدای فصل را تشریح می کند.

۲. ارزیابی شکلی اثر

طرح جلد نسخه ترجمه تغییرات اندکی نسبت به طرح جلد کتاب اصلی داشته است. هر چند هر دو جلد اشاره به جزیره خیالی مورد بحث در کتاب دارند، اما طراحی نمونه فارسی به خوش سلیقه گی طراحی جلد اصلی کتاب نیست. فونت کتاب با توجه به ماهیت آن مناسب انتخاب شده و تناسب کافی با اشکال طرح شده را دارد. اما در کتاب مرتب سازی (Justify) پاراگراف ها صورت نگرفته که دلیل آن نامشخص است و این موضوع می تواند یکی از نقاط ضعف ویرایشی کتاب باشد.

کتاب در ۱۷ فصل تهیه و تنظیم شده است که در ادامه مروری بر فصول ارائه می گردد.

موضوع	ابزار	نتایج
کارآفرینی	مصرف کمتر و ریسک پذیری	افزایش بهره وری و تولید مازاد بر مصرف

در فصل اول بر توسعه جوامع از طریق ابداع تجهیزات و ماشین آلات در جهت تسهیل انجام فعالیت ها و تولید هر چه بیشتر محصولات است و به منظور نیل به توسعه اقتصادی و صنعتی، دو اصل «مصرف کمتر» و «ریسک پذیری» مورد تاکید قرار می گیرد. به عبارت دیگر به عقیده نویسنده نیازمندی کارآفرینی در جوامع بشری نخست کمتر مصرف کردن به منظور ایجاد زمان و هزینه برای سرمایه گذاری روی اختراعات است و در وهله دوم نیز ریسک پذیری و پذیرش شکست (احتمال هدر رفت منابع) سرآغاز و منشا کارآفرینی در جوامع بشری بوده است. نتیجه موفقیت های جوامع در کارآفرینی نیز افزایش بهره وری و تولید مازاد بر مصرف (ایجاد ذخیره و پس انداز) بوده است.

موضوع	ابزار	نتایج
توزیع ثروت	افزایش عرضه و تولید، آزادی اقتصادی و عدم دخالت دولت	بهبود سطح رفاه اقتصادی و اجتماعی

در فصل دوم موضوع رشد اقتصادی مورد بحث قرار می گیرد و تقابل میان دو عامل افزایش تقاضا و افزایش عرضه را بر رشد اقتصادی مورد بحث قرار می دهد. نتیجه تحقق رشد اقتصادی بهبود سطح رفاه اقتصادی و اجتماعی در سطح جامعه معرفی می شود. همچنین نویسنده بر اهمیت توزیع ثروت در زمان رشد اقتصادی تاکید می کند و راه رسیدن به توزیع عادلانه ثروت را آزادی اقتصادی و امکان انتخاب نفع شخصی برای هر فرد جامعه می داند. پرواضح است که نویسنده کتاب متعلق به جریان فکری راستگرا و لیبرال است. از این رو معیارهای توزیع ثروت از نظر او امکان آزادی اقتصادی و عدم دخالت دولت در امور

اقتصادی است و موضوعاتی نظیر عدالت اقتصادی و اجتماعی و موضوع دخالت دولت با هدف بازتوزیع ثروت از طبقه غنی به طبقه فقیر مورد توجه او قرار نمی گیرد. از این رو از نگاه چپ گرا و سوسیالیسم، رویه توزیع ثروتی که در کتاب معرفی می شود، می تواند به افزایش شکاف میان طبقه های اجتماعی منجر شود و مورد پذیرش نباشد.

موضوع	ابزار	نتایج
کارکرد وام (اعتبار) و انواع آن	شناخت ایده های موفق و پربازده	تسهیل کارآفرینی و توسعه امکانات عرضه

در فصل سوم بر اهمیت سرمایه گذاری اصولی و هدفمند که منجر به بازدهی اقتصادی می شود تاکید می شود، اما به عقیده نویسنده اختصاص وام های تجاری به ایده های ناموفق موجب اتلاف پس انداز جامعه و کاهش ظرفیت تولید می شود. نویسنده در ادامه به تشریح سه نوع وام تجاری (با هدف سرمایه گذاری برای افزایش تولید)، وام مصرفی (با اهداف مصرفی و نه سرمایه گذاری بر تولید) و وام ضروری (با هدف تامین نیازمندی های اساسی بخشی از جامعه در جهت حفظ ظرفیت های تولیدی) می پردازد و تاکید می کند که کارکرد و اثرات مفید وام و اعتبار علاوه بر شناخت و ارزیابی صحیح هدف مصرف آن، نیازمند پس انداز مکفی برای تامین اعتبار مورد نیاز است. از نگاه نویسنده سرمایه گذاری دولت برای تخصیص وام هایی غیر از وام تجاری چندان سودمند نیست و تخصیص منابع دولتی برای اهداف غیرتولیدی تایید نمی شود که همان طور که ذکر شد این عقیده برگرفته از تفکرات لیبرال نویسنده است.

موضوع	ابزار	نتایج
توسعه اقتصادی	پس انداز و سرمایه ذخیره همکاری مشترک در سطح جامعه	افزایش تولید و به تبع آن افزایش مصرف و در نتیجه رشد و توسعه اقتصادی

در فصل چهارم مقوله توسعه اقتصادی به بحث گذارده می شود و اهمیت پس انداز و سرمایه های ذخیره و همکاری های مشترک به منظور موفقیت برنامه های توسعه مورد تاکید نویسنده

قرار می‌گیرد. نویسنده تاکید می‌کند که پس اندازه علاوه بر تامین منابع لازم برای رشد اقتصادی و صنعتی جوامع، به تحمل سختی‌های غیرمنتظره نیز کمک می‌کند. وی معتقد است افزایش مخارج و هزینه‌ها تنها زمانی به رشد اقتصادی منجر می‌شود که تولید لازم برای تامین مصارف نیز صورت پذیرد، لازم است همواره توازن میان تولید و مصرف در سطح جوامع برقرار باشد و همزمان با توسعه توان تولیدی جوامعی، افزایش مصرف نیز صورت پذیرد. همچنین وی بخشی از دیدگاه کینزین‌ها را نیز به بحث می‌گذارد که معتقدند پس انداز موجب خارج شدن پول از گردش اقتصادی شده و مخارج و هزینه‌ها را کاهش می‌دهد (عاملی که برای رشد اقتصادی حیاتی است).

موضوع	ابزار	نتایج
توسعه اقتصادی جامعه	همکاری مشترک آحاد جامعه، روند افزایشی قیمت‌ها و افزایش میل به خرید و هزینه	توسعه تخصص و کارایی، ایجاد اشتغال

در فصل پنجم نویسنده تاثیرات رشد و توسعه اقتصادی بر جوامع را تشریح نموده و پیدایش کسب و کارهای جدید و متنوع (خصوصاً در حوزه خدمات و امکانات رفاهی) را از نتایج این مقوله می‌پندارد و همچنین بر اهمیت تورم و رشد قیمت‌ها در اقتصاد تاکید می‌کند و شرایط ضد تورمی و کاهش قیمت را طاعون اقتصاد می‌داند. زیرا موجب کاهش مصرف در سطح جامعه شده و در نتیجه از تولید می‌کاهد و این امر نیز پیامدهای اجتماعی نظیر بیکاری کارگران را به همراه دارد. وی معتقد است رشد اقتصادی زمینه ساز دو عامل ذیل است.

- توسعه تخصص و کارایی

تنوع کسب و کارها سبب ایجاد تخصص و کارایی می‌شود. افزایش کارایی با کاهش هزینه تولید و قیمت نهایی، دسترسی به کالاها و خدمات را برای طیف گسترده تری از جامعه فراهم می‌کند (دیدگاه لیبرال نویسنده در تسهیل امکانات و خدمات رفاهی).

- ایجاد اشتغال

رشد اقتصادی، تنوع کسب و کارها و ایجاد تخصص و کارایی موجب ایجاد اشتغال جامعه می شود. اشتغال ایجاد شده در سطح جامعه می تواند خویش فرما و یا بر اساس رابطه کارفرما و کارگری باشد (دیدگاه لیبرال نویسنده در ایجاد شغل).

موضوع	ابزار	نتایج
دلایل شکل گیری و سازوکار فعالیت بانک	تغییرات نرخ بهره	ایجاد امکان پس انداز و کسب سرمایه برای بخش سرمایه داری جامعه

در فصل ششم دلایل شکل گیری و سازوکار فعالیت بانک ها (شامل پرداخت بهره به سرمایه گذاران، غربال وام گیرندگان و اخذ بهره از آن ها) شرح داده می شود. همچنین براهمیت ایجاد پول به عنوان واسطه انتقال کالاها و معاملات تاکید می شود. در ادامه فصل، نویسنده سازوکار مدیریت جریان اعطای اعتبار را از طریق «کنترل نرخ های بهره» توسط بانک های مرکزی کشورها تشریح می کند. تعیین نرخ بهره بر حجم ذخایر و پس انداز درون بانک ها و همچنین گرایش کارآفرینان به اخذ وام اثر می گذارد. با کاهش نرخ بهره تمایل شرکت ها و اشخاص برای دریافت وام بیشتر می شود و در شرایط نامطلوب اقتصادی، افزایش نرخ بهره سبب می شود تا وام گیرندگان در مورد تعهد بازپرداخت وام های خود با دقت بیشتری عمل کنند. نویسنده دو ایراد اساسی را بر این روش وارد می داند، نخست تاثیر گذاری تصمیم مدیران بانک مرکزی بر فضای کسب و کار و تصمیم گیری میلیون ها نفر که به صورت مستقل از این بانک فعالیت می کنند. دوم تحت تاثیر قرار گرفتن تصمیم های بانک مرکزی از سیاستمداران با هدف کاهش هزینه وام، ایجاد جذابیت اقتصادی و در نتیجه کسب رای مجدد توسط مردم.

همچنین به عقیده نویسنده به واسطه عدم سازمان یافتگی تشکل های مرتبط با گروه پس اندازان، عمدتاً حقوق آن ها نادیده گرفته می شود و مقادیر بهره و سود اعطایی به آن ها در درجات پایینی قرار می گیرد. در این فصل دیدگاه نویسنده مبنی بر حمایت از سرمایه و سرمایه داری و نهی دخالت های دولت در توزیع امکانات به وضوح قابل مشاهده است.

موضوع	ابزار	نتایج
توسعه زیرساخت ها	مشارکت بخش خصوصی	توسعه بهره وری و در نتیجه حجم بیشتر تولید
رونق تجارت	توسعه بهره وری، آزادسازی تجارت	تخصیص بهینه سرمایه و نیروی کار، توسعه مزیت های رقابتی

در فصل هفتم نویسنده بر اهمیت ایجاد زیرساخت ها برای بهبود شرایط کار و زندگی و در نتیجه افزایش بهره وری اشاره می کند. بدیهی است افزایش بهره وری سبب افزایش تولید و در نتیجه رونق تجارت می شود. نویسنده به تشریح مزیت رقابتی در تولید می پردازد و توزیع محصولات و امکانات حاصل از مزیت های رقابتی میان کشورها را یکی از منافع ناشی از تجارت معرفی می کند. نویسنده مهمترین ملاحظه در خصوص توسعه زیرساخت ها را بالا بودن سودآوری نسبت به هزینه می داند. انتقادی که به این نگاه می توان داشت آن است که اصولاً همواره ایجاد زیرساخت ها با هدف کسب سود نیست و دولت ها در بسیار موارد هزینه های ایجاد و توسعه زیرساخت را صرفاً با اهداف و ملاحظات اجتماعی دنبال می کنند که البته این امر در میان اقتصادهای مبتنی بر نظام سرمایه داری بسیار کمرنگ است. از همین رو است که نویسنده از دولت هایی که توسعه زیرساخت را با هدف ایجاد شغل و رونق اقتصادی دنبال می کنند، انتقاد می کند و این رویکرد را باعث تخصیص غلط منابع و نابودی مشاغل در سایر مناطق می پندارد.

نویسنده در ادامه به مقایسه توسعه زیرساخت ها توسط دولت و بخش خصوصی می پردازد. وی ضمن برشمردن مثال هایی از توسعه زیرساخت ها توسط بخش خصوصی (نظیر مترو نیویورک)، مشارکت بخش خصوصی را روشی کارا در جهت توسعه زیرساخت ها و جلوگیری از هدر رفت منابع می داند. وی با قاطعیت بیان می دارد که نظارت و اجرای انحصاری پروژه ها و طرح های خدماتی عمومی توسط دولت تقریباً همیشه منجر به بروز ناکارایی، رشوه خواری، اختلاس و فساد می شود. این امر منجر به افزایش مالیات ها توسط دولت به منظور جبران هزینه های مازاد و در نتیجه کاهش رفاه اجتماعی می شود.

نویسنده همچنین به موضوع عدم تغییر الگوها و روابط اقتصادی حتی در جوامع بزرگ اشاره می‌کند. وی معتقد است حتی با بزرگ شدن اقتصاد، اصول اقتصادی تغییر نمی‌کنند و تنها با پیچیده شدن کنش و برهم کنش متغیرها، درک اصول اقتصادی سخت‌تر می‌شود. وی در ادامه به مقوله تجارت آزاد نیز می‌پردازد و اجازه ورود کالاها با هزینه کمتر به داخل کشور را موجب رفاه بیشتر مصرف‌کنندگان به واسطه هزینه کمتر و پس‌انداز بیشتر می‌داند. وی معتقد است که پس‌انداز بیشتر صورت گرفته موجب افزایش تقاضا برای سایر کالاهای تولید داخل می‌شود که این امر رونق را برای صنایع داخلی به همراه دارد. وی از دست رفتن مشاغل داخل به واسطه تجارت آزاد را بدیهی می‌داند و بیان می‌دارد که اصولاً هدف اقتصاد ایجاد شغل نیست، بلکه ایجاد بهره‌وری است. با استمرار استفاده ناکارآمد از کار و سرمایه، در مجموع هیچ کمکی به اقتصاد و جامعه نمی‌شود. کشورها باید به دنبال تولید محصولی بروند که در آن مزیت رقابتی دارند. نویسنده مشکل اصلی در حوزه تجارت را در محدود کردن مزیت رقابتی کشورها بواسطه حجم بالای پول، مالیات‌های سنگین، قوانین کار و دستمزد و ... می‌داند که باید چاره‌ای برای آن‌ها اندیشید.

موضوع	ابزار	نتایج
ایجاد دولت	انتخابات، تدوین قانون اساسی و پرداخت مالیات	ایجاد امنیت، برقراری ثبات اجتماعی، اجرای عدالت، تامین آزادی

در فصل هشتم ظهور دولت و دلایل ایجاد ساختار منسجم و مردمی برای اداره امور به بحث گذارده می‌شود. ایجاد امنیت، برقراری ثبات اجتماعی، اجرای عدالت، تامین آزادی از جمله دلایلی است که توسط نویسنده برشمرده می‌شود. همچنین لزوم دریافت مالیات به منظور تامین هزینه فعالیت‌ها و اقدامات دولت مورد تاکید قرار می‌گیرد. لزوم تدوین قانون اساسی به منظور اطمینان از عدم انحراف نمایندگان (دولت) انتخابی نیز از جمله مواردی است که در توسعه دولت مورد اشاره قرار می‌گیرد.

موضوع	ابزار	نتایج
-------	-------	-------

ایجاد پول (ارز رسمی)	چاپ پول با پشتوانه	تسهیل معاملات و تجارت، تامین مالی دولت برای سرمایه گذاری ها
----------------------	--------------------	---

در فصل نهم موضوع پیدایش پول و لزوم تعریف پشتوانه برای آن مورد بررسی قرار می گیرد. نویسنده ضمن تبیین دلایل ایجاد پول برای دادوستد، بر لزوم جلوگیری از انتشار پول بدون پشتوانه تاکید می کند. از نگاه وی انتشار پول بدون پشتوانه موجب کاهش اطمینان مردم به قدرت نقدینگی (پول در دسترس) خود می شود و موجب می شود سونامی از تبدیل پول به کالاهای با ارزش نظیر طلا ایجاد شود که موجب کاهش بیش از پیش ارزش پول می گردد. در نتیجه سپرده گذاری بانکی کاهش می یابد و این روند در نهایت منجر به سقوط اقتصاد شود.

موضوع	ابزار	نتایج
کاهش ارزش پول	چاپ پول بدون پشتوانه	کاهش ارزش پول ملی، افزایش تورم، کاهش سرمایه گذاری در بانک ها، سیر تصادفی تقاضا برای انواع کالاها

نویسنده در فصل دهم به دلایل آغاز بحران اقتصادی و فروپاشی یک اقتصاد می پردازد. افزایش چاپ پول بدون پشتوانه (بدون میزان تولید کافی) منجر به کاهش ارزش پول ملی می شود، از این رو به ناچار از ارزش آن در مقابل سایر کالاها خصوصا ارزهای خارجی کاسته می شود (کاهش نرخ مبادله). این امر به مرور قدرت خرید مردم را کاهش داده و موجب بروز تورم می گردد که سببی از تقاضا برای خرید کالاهای مختلف را ایجاد می کند.

موضوع	ابزار	نتایج
قدرت پول ملی	پول با پشتوانه	توانایی تامین نیازمندی ها و کسری بودجه با استفاده از ظرفیت سایر کشورها

در این فصل یازدهم نویسنده به مقوله ارزش پول می پردازد و نشان می دهد که پشتوانه پول یک کشور چگونه می تواند آن را در تامین نیازمندی های خود از طریق واردات کمک کند. اشاره مستقیم نویسنده به طور مستقیم به ارزش و پشتوانه دلار در تجارت جهانی است که سبب شده حتی اگر کشوری به محصولات امریکایی نیاز نداشته باشد، بازهم محتاج دلار این کشور برای مبادلات خود باشد.

موضوع	ابزار	نتایج
توسعه زنجیره ارزش	ایجاد و توسعه مشاغل خدماتی	توسعه تخصص گرایمی، توسعه ظرفیت های تولیدی

در فصل دوازدهم مقوله زنجیره ارزش جهانی و تمرکز کشورهای توسعه یافته بر حلقه های ارزش افزا مورد بحث قرار می گیرد. همراه با توسعه اقتصادی کشورها، بخش بزرگی از فعالیت های تولیدی کاربر به کشورهای کمتر توسعه یافته منتقل شده و تمرکز کشورهای توسعه یافته بر فعالیت های خدماتی و همچنین فرایندهای با ارزش افزوده بالا نظیر طراحی، برندینگ، تحقیق و توسعه و .. بیشتر شده است.

موضوع	ابزار	نتایج
فروپاشی اقتصادی	از دست رفتن پشتوانه پول	ناتوانی اقتصاد در تامین کالا و خدمات در قبال ارز رسمی خود

در فصل سیزدهم نویسنده به مقوله کاهش ارزش پولی ملی به واسطه عدم برخورداری از پشتوانه لازم می پردازد. به عقیده نویسنده پول کاغذی تنها زمانی ارزش دارد که قابلیت تبدیل

به کالا و یا خدمات را داشته باشد. بدیهی است اقتصادی که پتانسیل کافی برای تامین کالا و خدمات در قبال ارزش رسمی خود را نداشته باشد، در مسیر فروپاشی قرار خواهد گرفت. چراکه عملاً ارزش پول کاغذی ذهنی است و می توان آن را به میزان بسیار زیاد چاپ کرد.

موضوع	ابزار	نتایج
بحران های اقتصادی	اعطای وام های یارانه ای و کم بهره به فعالیت های غیراقتصادی (نظیر مسکن در سال های قبل از ۲۰۰۸)	ایجاد حباب در تقاضا و قیمت محصولات و در نهایت فروپاشی بازار

در فصل چهاردهم موضوع بحران مالی سال ۲۰۰۸ آمریکا و جهان و دلایل پیدایش و بروز آن بررسی می شود. نویسنده با اشاره به حمایت های دولتی از تولید و خرید مسکن (از قبیل اعطای وام های یارانه ای و کم بهره)، موضوع افزایش تقاضای ساخت و خرید مسکن و جهش قیمت آن را تحلیل می کند.

موضوع	ابزار	نتایج
بحران اقتصادی	ایجاد حباب قیمت در محصولات	سقوط قیمت، ناتوانی وام گیرندگان در پرداخت اقساط، ورشکستگی بانک ها و رکود در صنایع به واسطه کاهش مصرف

در فصل پانزدهم نویسنده سازوکار فروپاشی بازار به واسطه ایجاد حباب در قیمت ها را تشریح می کند. همزمان با افزایش عرضه (ساخت) مسکن، عده بیشتری از مردم متمایل به فروش مسکن می شوند، در نتیجه در مدت زمان کوتاهی انبوهی از فروشندگان و کمبود خریداران در بازار مسکن ایجاد می شود. متعاقباً قیمت مسکن سقوط کرده و بازپرداخت وام های اخذ شده غیرممکن می شود. وام گیرندگان از پرداخت اقساط خود اجتناب نموده و بانک ها نیز به دلیل عدم دریافت وثایق و تضامین کافی و مطمئن، قادر به بازدریافت اقساط

نقد و ارزیابی کتاب چگونگی رشد و فروپاشی اقتصاد، یک داستان اقتصادی ۵۳

وام ها نخواهند بود. در نهایت شبکه بانکی عملاً با یک ورشکستگی روبرو می گردد. همچنین با کاهش ساخت و معامله مسکن، صنایع جانبی مرتبط نیز با بحران روبرو شده و وارد رکود می شوند.

موضوع	ابزار	نتایج
غلبه بر بحران اقتصادی	چاپ پول و ترغیب مردم به مصرف بیشتر	رونق نسبی در صنایع و افزایش رشد اقتصادی

در فصل شانزدهم نویسنده به راه حل دولت برای حل بحران اقتصادی می پردازد. به عقید وی سه رویکرد توسط دولت می تواند انتخاب شود.

- ۱- مردم کمتر مصرف کننده و با پس انداز بیشتر بدهی خود را پرداخت کنند.
 - ۲- مردم بیشتر تولید کنند و با فروش کالای اضافی بدهی خود را پرداخت کنند.
 - ۳- مردم بازم به قرض کردن ادامه دهند و سطح مصرف فعلی خود را حفظ کنند.
- دو روش اول موجب کاهش رفاه جامعه می شود، زیرا باید کمتر مصرف کنند و بیشتر کار کنند. روش سوم از طریق استقراض دولت و کاهش ارزش پولی ملی موجب انتقال بخشی از مشکلات به خارج از کشور و کشورهایی که دارنده ارز رسمی کشور بحران زده هستند می شود. راه حل دولت امریکا در بحران سال ۲۰۰۸ انتخاب روش سوم و ترغیب شهروندان به مصرف بیشتر از طریق چاپ پول و همچنین پرداخت وام های ارزان جهت تقویت قدرت خرید است تا از ادامه رکود ایجاد شده جلوگیری نماید.

موضوع	ابزار	نتایج
جلوگیری از فروپاشی اقتصادی	افزایش مالیات، کاهش مخارج دولت، عدم پرداخت بدهی ها، چاپ پول	افزایش دارایی ها در مقابل مخارج و در نتیجه خروج اقتصاد از مرحله فروپاشی

نویسنده در فصل هفدهم نتیجه مخارج بیشتر از دارایی را فروپاشی اقتصادی می داند و معتقد است این فرآیند در آمریکا در حال وقوع است. یکی از روش های غلبه بر معضل فوق، افزایش مالیات است که عمدتاً از سوی مردم استقبال نمی شود. ضمن آن که موجب کاهش انگیزه و بهره‌وری در میان فعالین اقتصادی می شود. روش دیگر کاهش مخارج دولت است که پیاده سازی آن نیز معضلات فراوانی دارد. روش سوم عدم پرداخت بدهی ها توسط دولت خصوصاً به کشورهای خارجی است. روش دیگر که مشابهت فراوانی با روش سوم دارد، چاپ پول و در نتیجه بی ارزش کردن پول ملی است که عمده کشورها از این روش بهره می جویند. ایجاد تورم سبب می شود که دولت ها بدهی های خود را به شکلی فریبکارانه پرداخت کنند.

۳. ارزیابی محتوایی اثر

همان گونه که از عنوان کتاب مشخص است، رویکرد کتاب معرفی عوامل رشد و فروپاشی اقتصادی جوامع است. از این رو منطقی است که در طول کتاب نویسنده به بیان عقیده خود از محرک های رشد و دلایل فروپاشی اقتصادی جوامع بپردازد. از نگاه وی، محرک اساسی رشد جوامع «تولید» است. به عبارت دیگر نویسنده مقوله تولید را امری ضروری برای توسعه اقتصادی می داند و معتقد است پیشران توسعه جوامع بشری سرمایه گذاری بر امر «تولید» است. همچنین هیچ نكوهشی از طرف نویسنده بر «مصرف گرایی» صورت می پذیرد و حتی پیش شرط توسعه دانسته می شود (البته به شرط توازن میان مصرف و تولید). نویسنده بارها در کتاب متذکر می شود که تولید و مصرف به طور توأم لازمه رشد اقتصادی است و هزینه کرد دولت و خانواده ها محرک سرمایه گذاری برای تولید است.

از طرف دیگر نویسنده مهمترین عامل فروپاشی اقتصادی را دخالت ها و سیاست های نابجای دولت می داند. وی بارها با بیان مثال هایی در طول کتاب، نتایج زیان بار تصمیم گیری های سیاستگذاران را تشریح می کند. نویسنده تقابلی میان «تصمیم های سیاسی» و «تصمیم های اقتصادی» تصویر می کند و دخالت های سیاست مداران را که با اهداف سیاسی و انتخاباتی صورت می گیرد را مهمترین چالش اقتصاد می داند. از این رو در جای جای کتاب بر لزوم عدم دخالت سیاست مداران در اقتصاد تاکید می کند. به طور مشخص در فصل

۶ کتاب، وی دلایل تصمیم های اقتصادی سیاست مداران را عمدتاً کسب رای مجدد می داند و از این رو نتایج اقتصادی چنین سیاست هایی را زیر سوال می برد.

در مقایسه با ملاحظات جریان چپ و سوسیالیسم، الگوها و روش های توسعه ای ذکر شده در کتاب مورد انتقاد است و ملاحظات اجتماعی نظیر عدالت در پرداخت ها و توزیع امکانات بهداشتی، رفاهی و ... چندان مورد توجه قرار نگرفته است. برای نمونه در فصل ۷ کتاب، نویسنده مهمترین ملاحظه در خصوص توسعه زیرساخت ها را بالابودن سودآوری نسبت به هزینه می داند و بر عدم کارایی دولت در توسعه زیرساخت ها تاکید می کند و معتقد است توسعه زیرساخت باید توسط بخش خصوصی صورت پذیرد. از همین رو نویسنده از دولت هایی که توسعه زیرساخت را با هدف ایجاد شغل و یا توزیع امکانات دنبال می کنند، انتقاد کرده و این رویکرد را باعث تخصیص غلط منابع و نابودی مشاغل در سایر مناطق می پندارد. انتقادی که به این نگاه می توان داشت آن است که اصولاً همواره ایجاد زیرساخت ها با هدف کسب سود نیست و دولت ها در بسیار موارد هزینه های ایجاد و توسعه زیرساخت را صرفاً با اهداف و ملاحظات اجتماعی دنبال می کنند که البته این امر در میان اقتصادهای مبتنی بر نظام سرمایه داری بسیار کمرنگ است.

نویسنده در فصل ۷ کتاب نیز بر اهمیت تجارت آزاد تاکید می کند و اجازه ورود کالاها با هزینه کمتر به داخل کشور را موجب رفاه بیشتر مصرف کنندگان به واسطه هزینه کمتر و پس انداز بیشتر می داند. به عقیده وی پس انداز بیشتر و افزایش قدرت خرید موجب افزایش تقاضا برای سایر کالاهای تولید داخل می شود که این امر رونق را برای صنایع داخلی به همراه دارد. وی از دست رفتن مشاغل داخلی به واسطه تجارت آزاد را بدیهی می داند و بیان می دارد که اصولاً هدف اقتصاد ایجاد شغل نیست، بلکه ایجاد بهره وری است. وی تاکید می کند با استمرار استفاده ناکارآمد از کار و سرمایه، در مجموع هیچ کمکی به اقتصاد و جامعه نمی شود و کشورها باید به دنبال تولید محصولی بروند که در آن مزیت رقابتی دارند. نویسنده مشکل اصلی را در محدود کردن مزیت رقابتی کشورها بواسطه حجم بالای پول، مالیات های سنگین، قوانین کار و دستمزد و ... می داند که باید چاره ای برای آن ها اندیشید.

به وضوح نگاه جانبدارانه نویسنده از نظام سرمایه داری و لزوم انتخاب آزاد بدون دخالت دولت در تشریح مفاهیم اقتصادی دیده می شود. اما باید متذکر شد که نقد نگاه و نظر نویسنده کاملاً وابسته به پیش فرض هر شخص از نظام و الگوی اقتصادی بهینه است. از این

رو از نگاه سرمایه داری دیدگاه های او منطقی اما از نگاه سوسیالیسم به بسیاری از تفکرات نویسنده می تواند نقد وارد کرد.

۴. نتیجه گیری

کتاب «چگونگی رشد و فروپاشی اقتصاد، یک داستان اقتصادی» توانسته تصویری ساده و جذاب از علم اقتصاد برای خواننده خود ایجاد کند. از آنجایی که روایت کتاب داستان گونه و همراه با اشکال کامیک است، انتقال مفاهیم و اصطلاحات اقتصادی به خواننده با سادگی و سهولت صورت پذیرفته و در مواردی نیز که نیاز به توضیحات علمی و محتوایی بیشتر بوده، نویسنده با استفاده از کادرهای مشخص، مقوله و مفهوم اقتصادی مورد نظر را با ادبیات غیرداستانی به صورت شفاف ترسیم نموده و همچنین در انتهای هر فصل در بخش خلاصه و نتیجه گیری به تشریح کامل پدیده اقتصادی پرداخته است.

یکی از نقاط قوت کتاب، سعی نویسنده در انتقال تمامی مفاهیم اقتصادی در قالب کلمات است و از مضامینی که می تواند موجب سخت تر شدن درک موضوعات شود خودداری کرده است. از این رو در نگارش کتاب از به کار بردن هر گونه فرمول، رابطه و یا جدول که در سایر کتب اقتصادی به وفور یافت می شود، اجتناب شده است. همچنین نویسنده از به کار بردن اصطلاحات ثقیل نیز خودداری کرده که این امر موجب شده متن کتاب بسیار سلیس و روان شود. مهمترین دلیل این امر نیز جامعه هدف خوانندگان کتاب است که به طور مشخص افرادی هستند که آشنایی چندانی با اصول علم اقتصاد ندارند و از آمادگی و ظرفیت لازم برای روبرویی با فضای پیچیده میان مولفه و متغیرهای اقتصادی نیز برخوردار نیستند. این امر یکی از نقاط قوت کتاب است، چراکه موجب می شود فهم روابط میان متغیرهای فراوان اقتصادی برای این دسته از خوانندگان ساده تر شود. جریان فکری نویسنده کتاب بر پایه لیبرالیسم است و به طور خلاصه سه نکته مهم از اقتصاداتریش را مورد تاکید قرار می دهد، نخست آن که دلیل اساسی رشد اقتصادی، تولید است نه مصرف؛ دوم، بهبود اوضاع روبه

نقد و ارزیابی کتاب چگونگی رشد و فروپاشی اقتصاد، یک داستان اقتصادی ۵۷

وخامت، نیازمند صرفه جویی است تا مصرف، وسوم، رونق اقتصاد به تورم نیاز ندارد بلکه گاهی نیازمند کاهش قیمت است. فارغ از دیدگاه نویسنده، کتاب در انتقال مفاهیم اقتصادی و تبیین رابطه میان متغیرهای اقتصادی به خوبی عمل کرده است و منبع مناسبی برای کسانی است که فارغ از روابط و اشکال پیچیده، قصد یادگیری اصول علم اقتصاد را دارند. همچنین کتاب مرز مشخصی میان مفاهیم اقتصاد خرد و کلان تبیین نمی کند و برگزیده ای از موضوعات مختلف به هریک از دو طبقه بندی ذکر شده را ارائه می کند.

کتابنامه

شیف، پتیر، شیف اندرو (۱۳۹۸). چگونگی رشد و فروپاشی اقتصاد؛ ترجمه حمید رضا ارباب، تهران: انتشارات نشر نی.

لیوینگستون، لس (۱۳۹۷). اقتصاد به زبان ساده؛ ترجمه شادی صدری، تهران: انتشارات دنیای اقتصاد.

